

شرایط و آداب استغفار از نگاه قرآن

میرزا شریف

اشاره: در مقاله حاضر نویسنده پس از بررسی چستی استغفار ضرورت و اهمیت آن، به برخی از آداب و تأثیرات شگفت انگیز این مقوله آسمانی می پردازد و خواننده را با پاره ای از ویژگی های استغفارکننده آشنا می سازد. با هم آنرا از نظر می گذرانیم.

فقرذاتی انسان

انسان در هر مقام و منزلتی که باشد، به شکلی در برابر وجود حق کوتاهی می کند. این کوتاهی نسبت به حق از سوی کسانی که در مقام برتری قرار می گیرند، شدت می یابد؛ زیرا هر کسی به اندازه شناخت و توان خویش مسئول است و می بایست در برابر حق خود را پاسخ گو بداند. سخن از این نیست که ظرفیت عمل چه اندازه است بلکه سخن از آن است که چه اندازه از ظرفیت خود بهره برده ایم. انسان اگر بر این بناور باشد که به اندازه شناخت خویش عمل کرده است و نمی بایست انتظار داشت که برای چیزی که بیرون از دایره قدرت و توانش است پاسخ گو باشد، این خود حکمی باطل است؛ زیرا انسان به عنوان عمل خداوند، موجودی بی نهایت است و از نظر قدرت و توان حدی برای او نیست که از آن به حد لایقف تعبیر می شود؛ زیرا قرآن بر این نکته تأکید می ورزد که هر کسی بر پایه شاکله خود عمل می کند.

خداوند نیز بر پایه شاکله خویش عمل می کند که وجودی بی نهایت است و انسان نیز به عنوان عمل خداوندی وجودی در حوزه شناختی و عملی، دارای حد لایقفی است. از این رو کسی نمی تواند با توجیه محدودیت دانشی خویش، در عمل نسبت به خدا کوتاهی کند؛ زیرا می تواند با افزایش دانش خویش نسبت به خدا عمل واقعی تر و درست تر به جا آورد. این مسئله ای است که در برخی از روایات آمده است و تنها حدی که برای وی دانسته شده است، وجود فقری بشر است.

در خطابی به حضرت موسی(ع) آمده است که یا موسی وجودک ذنب لایقاس معه ذنب؛ ای موسی وجود فقری بشر، خود، محدودیت و گناهی است که هیچ گناه و محدودیتی با او قابل قیاس نیست؛ به این معنا که انسان هر اندازه بر قله های دانش و عمل ببرد به جهت فقرذاتی خویش نمی تواند به شناختی نسبت به خدا دست یابد که بتواند بگوید او را شناخته و بر پایه این شناخت نسبت به او عمل کرده است و حق عبادت و

پرستش را به جا آورده است. از این روست که گفته می شود انسان هر اندازه به کمال دانشی و عملی دست یابد باز نیازمند پوششی است که خداوند به مهر و مغفرت وی را در برگردد و به عنایت و فضل خویش او را حفظ و به سوی کمال مطلق رهنمون سازد.

در آیات قرآنی دو مسئله به عنوان عامل بازدارنده از خشم و عذاب الهی مطرح شده است. که موجب می شود تا استعجال در عذاب نسبت به شخص و یا گروهی انجام نشود. این دو امر عبارتند از: وجود مبارک و پرخیر و برکت حضرت ختمی مرتبت پیامبر گرامی (ص) و دیگری امکان استغفار این دو سبب می شود که انسان در هر حال در امنیت قرارگیرد.

براین اساس مسئله استغفار در آموزه های قرآنی به عنوان یکی از مهم ترین علل و عوامل بازدارنده از عذاب های دنیوی و اخروی مطرح می شود و حتی به پیامبر گرامی (ص) دستور و سفارش داده شده است که استغفار را به عنوان یک اصل همواره تکرار کند و مورد توجه قراردهد. در آیات قرآنی سخن از هفتادبار استغفار در شبانه روز آمده است و در برخی از روایات است که آن حضرت (ص) هرگاه از نزد جمعی برمی خاست به استغفار مشغول می شد. استغفار امری است که حتی رسول الله در نماز شب بیش از هفتادمرتبه از خدایش طلب می کرد و در هر نزاری بر زبان می آورد.

در اهمیت استغفار همین بس که خداوند در بیان شکر و سپاس گزاری نعمت بزرگ ایمان آوری مردمان، از آن حضرت می خواهد که استغفار به جای آورد: فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان توابا (نصر آیه ۳)

چیستی استغفار

استغفار طلب آمرزش از ریشه غفران در اصل به معنای پوشاندن چیزی می آید که انسان را از آلودگی نگه دارد؛ بنابراین استغفار درخواست مصونیت و حفظ از عذاب یا گفتار و رفتار است. (مفردات راغب اصفهانی)

بنابراین انسان می بایست از هر چیزی که موجب می شود تا خشم خدا را برانگیزد و او را آلوده به گناه و خطا و اشتباه کند به خدا پناه برد تا خدایش وی را در نوعی عصمت و مصونیت از گناه و عمل به خطا قراردهد. به زبانی دیگر انسانی که استغفار می کند از خدایش می خواهد که وی را تحت پوشش خویش قراردهد و چیزی را به عنوان حافظ و نگه دار در آورد تا از آسیب های احتمالی در امان قرارگیرد.

استغفار جویی اختصاص به برخی انسان ها ندارد بلکه چنان که گفته شد همه پیامبران آن را از خدای خود می خواستند. (آل عمران آیه ۱۴۶ و ۱۴۷) و حتی پیامبر بزرگوار (ص) که در مقام قاب قوسین او ادنی (نجم آیه ۹) نشست و نزدیک تر از آن منزلت نمی توان نسبت به خداوند

تصور و تصویر کرد، با این همه مأمور می شود تا برای خویش استغفار کند. (نصر آیه ۳) چنان که مأمور می شود برای مؤمنان هم استغفار کند و به عنوان واسطه و شفیع عمل کند تا خداوند رحمت خویش را بر مؤمنان سرازیر نماید.

این استغفارجویی تنها به خطاهایی چون قتل (قصص آیه ۱۵ و ۱۶) و یا قضاوت های عجولانه (ص آیه ۲۴ و ۲۵) و یا ظلم و ستم (آل عمران آیه ۳۵ و نساء آیه ۶۴) و یا مطلق گناه (بقره آیه ۵۸ و اعراف آیه ۱۶۱) محدود نمی شود بلکه انسان می بایست در همه حال حتی اگر به ظاهر گناه و خطا و اشتباهی نکرده است طلب غفران و پوشش کند تا در کف حمایت و محافظت خداوند قرارگیرد و از گناه های احتمالی در امان بماند و مصونیت یابد. (مائده آیه ۷۴ و هود آیه ۳ و ۵۲ و ۹۰) همچنان که استغفار نه تنها در حق خود بلکه در حق دیگر گناهکاران (نساء آیه ۶۴ و یوسف آیه ۹۷ و محمد آیه ۱۹) از زنان و مردان نیز ساری و جاری است و تنها استثنایی که شده استغفار جویی برای مشرکان و منافقان است که جایز نیست مؤمن در حق ایشان درخواست غفران نماید. (توبه آیه ۱۱۳ و ۱۱۴ و نیز نساء آیه ۶۰ تا ۶۴)

آداب و آثار استغفار

برای هر چیزی آدابی است. و انسان بهتر است از روشی استفاده کند که او را به مقصد نزدیک تر سازد و راه و مقصد را کوتاه تر گرداند. اگر چه استغفار در شبانه و روز و به هر شکلی خوب و سازنده و مفید است ولی قرآن به برخی از مطالب اشاره می کند که بیانگر نوعی آداب در دعای استغفار است. و رعایت آن ها می تواند برای دستیابی شخص به مقصد و مطلوب مفید باشد.

از جمله آدابی که قرآن برای مستغفر و چگونگی استغفار بیان می دارد استغفار در سحرگاهان است. به این معنا که سحر را به جهت ویژگی هایی که برشمرده اند خصوصیتی است که تأثیر بیشتری در دست یابی به هدف دارد. از آن جمله گفته اند که فرشتگان شب و روز یعنی آنانی که می آیند و آنانی که می روند به وضعیت مستغفر آگاه می شوند و هر دو، استغفار وی را ثبت و ضبط می کنند. از این رو گفته اند که بهترین زمان برای استغفار سحرگاهان است؛ و المستغفرین بالاسحار (آل عمران آیه ۱۷) و بالاسحار هم یستغفرون (ذاریات آیه ۱۸) و این که حضرت یعقوب درباره فرزندان گناهکار خویش می فرماید: سوف استغفر لکم ربی انه هو الغفور الرحیم؛ به زودی برای شما از پروردگارم طلب بخشش خواهم کرد زیرا پروردگارم غفور و رحیم است. (یوسف آیه ۹۸)

ستایش خداوند از کسانی که در سحرگاهان استغفار می کنند خود بهترین دلیل بر این مطلب است که سحر بیش از اوقات دیگر برای استغفار مناسب است.

در میان سحرگاهان نیز سحرهای روز جمعه و شب های آن از مقام و منزلت بیش تر و برتری برخوردار می باشد. (یوسف آیه ۹۸) این مطلب را می توان از روایتی به دست آورد که دلیل به تأخیر انداختن استغفار و عدم اقدام یعقوب (ع) به استغفار در زمان درخواست فرزندان، برای این دانسته شده است که آن را در سحر شب جمعه انجام دهد. (مجمع البیان ذیل همین آیه)

ویژگی های استغفار کننده

این ها بیان بخشی از آداب استغفار در ارتباط با زمان آن است. اما شخص استغفار کننده می بایست خود دارای صفاتی باشد و یا بکوشد تا به صفاتی دست یابد تا استغفار وی تأثیرگذار باشد. از جمله صفاتی که قرآن برای استغفارکنندگان برمی شمارد نخست اعتراف به خطا و لغزش است. (اعراف آیه ۱۳) این رفتار، شیوه پسندیده و مؤثری است که پیامبران اولوالعزمی چون موسی (ع) نیز از آن پیروی کرده است. وی نیز پیش از استغفار نخست به گناه و خطایی که مرتکب شده اقرار می نماید و سپس درخواست استغفار و پوشش از خداوند می کند. (قصص آیه ۱۶)

حضرت یونس ذالنون (ع) که گرفتار در شکم نهنگ بود نیز از همین شیوه بهره برد و نجات و رهایی یافت و خداوند از مؤمنان خواست که این گونه رفتار کنند تا مورد توجه و عنایت الهی قرار گرفته و از درد و سختی و عذاب و بلا رهایی یابند. (انبیاء آیه ۸۷ و ۸۸)

البته همه این ها زمانی می تواند مؤثر باشد که شخص به جد و واقع باور به خدا داشته و در برابر وی تسلیم باشد و به ایمان خود اقرار داشته و آن را بر زبان جاری سازد؛ زیرا شخص بی ایمان چگونه می تواند صادقانه اقرار کند و یا از خدا به درستی طلب آمرزش و بخشش نماید تا وی را تحت پوشش خود قرار دهد. (آل عمران آیه ۱۶ و ۱۹۳ و نیز مومنون آیه ۱۰۹)

نکته دیگر آن که استغفار کننده به اموری چون ربوبیت خداوند توجه داشته باشد و بداند که خداوند آفریدگار همان خداوندی است که پرورش همه موجودات از جمله وی را به عهده دارد و از مقام ربوبیت بخواهد تا او را تحت پوشش کامل خویش قرار دهد. (آل عمران آیه ۱۴۷ و نیز اعراف آیه ۲۳ و ۱۵۱ و آیات دیگر) آن گاه به ولایت الهی توجه کرده و خدا را به عنوان ولی و سرپرست خویش قرار دهد و از او بخواهد تا به عنوان ولی و سرپرست عمل کرده و وی را از شر و آثار گناه و خطاها مصون دارد و تحت محافظت خویش قرار دهد. (بقره آیه ۲۸۶ و اعراف

آیه ۱۵۵)

تأثیر یاد خدا

یاد خدا به شکل دایم و تأکید بر تکرار یاد و ذکر او می تواند شخص را به ربوبیت و ولایت الهی توجه دهد، از این رو قرآن به مسئله ذکر الله تأکید می ورزد و از استغفارکنندگان می خواهد که یاد خدا را ورد زبان و دل خویش قرار دهند. (آل عمران آیه ۱۳۵)

یاد کرد خدا به صفات پسندیده و صفات جمالی موجب می شود که انسان به مهر و محبت و گذشت خداوند متوجه شود و خود را تحت آسمای جمالی خدا قرار دهد و در حقیقت از جلال خدا به جمال وی پناه برد و بگوید: ائی اعوذ بک منک؛ خدایا من از خودت به خودت پناه می برم؛ یعنی از صفات جلالی تو به صفات جمالی تو پناه می جویم تا جمال تو مرا حفظ و نگه داری کند و از جلالت مصون دارد. (اعراف آیه ۱۵۱ و نیز ۱۵۵ و مؤمنون آیه ۱۰۹ و ۱۱۸) کسانی که خود را بسیار گناهکار می یابند و امید به این ندارند که خود را در معرض خداوند قرار دهند و شرم و حیا می کنند که به طور مستقیم از خداوند استغفار جویند می توانند به وسایل و ریسمانهای الهی تمسک و توسل جویند تا مصونیت یابند. بنابراین شایسته است که شخص گناهکار و یا استغفارچو از پیامبران به ویژه پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) و نیز قرآن یاری طلبد آن ها را واسطه و شفیع قرار دهد. (نساء آیه ۶۴ و نیز یوسف آیه ۹۷ و ۹۸ و نیز فتح آیه ۱۱)

آثار استغفار در دنیا و آخرت

آثار و نتیجه استغفارجویی به خدا، در دنیا و آخرت ظاهر می شود. برخی از این آثار عبارتند از: آموزش گناهان و پاک شدن از آن ها و مصونیت یابی از شرور و آسیب های جدی احتمالی گناه در دنیا و آخرت (بقره آیه ۵۸) و آل عمران آیه ۱۳۵، افزایش توان و قدرت (هود آیه ۵۲)، برخورداری از مال و مکنت و امکانات مادی خوب دنیایی (هود آیه ۳) یاری ایشان بواسطه نزدیکان از فرزندان و مانند آن ها (نوح آیه ۱۰ و ۱۲)، جلب محبت و رحمت الهی به سود خود (هود آیه ۹۰) و بقره آیه ۱۹۹ و نساء آیه ۶۴) و مصونیت یابی از عذاب های فردی و جمعی (انفال آیه ۲۳) و کهف آیه ۵۵).

البته جامعه ای که مستغفران آن بسیار باشند امید آن می رود که از نظر رونق کشاورزی به جایی برسد که زمین و آسمان برکات خویش را نازل کنند و از آسمان باران های رحمت (نوح آیه ۱۰ و ۱۱) و از زمین کشت و زرع به فراوانی بر آن فرود آید. (همان) و این گونه است که استغفار، آثار خود را در دنیا و آخرت به مؤمنان نشان می دهد و مردمان از آثار و برکات آن بهره مند می گردند.

باشد که با پیش گرفتن شیوه و آداب پیامبران و سرمشق قراردادن ایشان، برکات آسمان و زمین و رحمت خداوند به صورت فردی و جمعی بر ما بیارد و از آثار آن برخوردار گردیم.